

## تحلیل محتوای سیاست امنیتی آمریکا نسبت به انقلاب اسلامی ایران (۲۰۲۰ تا ۱۹۷۹)<sup>۱</sup>

افسانه یاریان<sup>۲</sup>

علی صالحی فارسانی<sup>۳</sup>

حسین ابوالفضلی کریری<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر تحلیل محتوای سیاست امنیتی آمریکا نسبت به انقلاب اسلامی از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۰ است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران معادلات امنیتی آمریکا در منطقه را دگرگون ساخت و به دلیل ماهیت انقلابی و ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی، تغییری در سیاست‌ها و تاکتیک‌های دولت آمریکا به وجود آمد؛ به گونه‌ای که در هر دوره، سیاست‌های متنوعی علیه جمهوری اسلامی اتخاذ کرده‌اند. سؤال پژوهش حاضر بر «چیستی سیاست‌های امنیتی ایالات متحده در قبال انقلاب اسلامی ایران» استوار بوده و برای پاسخ به سؤال، این فرضیه را به محک آزمون گذاشته می‌شود که «آمریکا بعد از فروپاشی رژیم سلطنتی در ایران، سیاست‌های مختلفی را در پیش گرفته است که در یک دوره گذار به براندازی حکومت اسلامی رسیده است». روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر روش میدانی، ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه با نخبگان و متخصصان به تعداد ۱۵ نفر به شیوه گلوله برفی، روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی و برگرفته از ادبیات نظری مربوط به واقع گرایی تهاجمی «مرشایمر» است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آمریکا از چهار سیاست مهار، بازدارندگی، تغییر رفتار و تغییر رژیم، برای مقابله با انقلاب اسلامی بهره برده است.

### واژگان کلیدی

تحریم، واژگونی، بازدارندگی، مهار، تغییر رفتار.

۱. این مقاله برگرفته از رساله «جایگاه ایران در سیاست خارجی چین و آمریکا از ۲۰۲۰ تا ۲۰۱۰» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان است.

Afsaneh.yaryan@gmail.com

Ali\_salehi62@yahoo.com

Hosainabolfazly47@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

## جستار گشایی

روابط آمریکا و ایران بعد از انقلاب اسلامی همواره به یکی از مسائل عمده و چالش‌زا تبدیل شده است. سقوط شاه ایران در ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ به فروپاشی روابط ایران و آمریکا انجامید؛ به گونه‌ای که از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، مواضع دولت ایالات متحده در تعارض با جمهوری اسلامی قرار داشت؛ در سوی دیگر نیز جمهوری اسلامی بر مواضع ضد امپریالیستی خود تأکید کرده و آمریکا را آماج این مواضع قرار می‌دهد. تقابل این دو دولت، باعث شد تا سیاست‌های آنان مجموعه‌ای از کنش و واکنش را در برابر یکدیگر در بر داشته باشد و تهران و واشنگتن در مقابل هم از مقاومت ثابت برخوردار شوند؛ به طوری که سیاست‌های آن دو از اصل تعارض و تقابل پیروی می‌کند.

با گذر زمان و عبور از چالش‌های به وجود آمده برای جمهوری اسلامی نظیر جنگ تحمیلی، دولت نوپای ایران به یک قدرت بالفعل در منطقه غرب آسیا تبدیل شده و نفوذ قابل توجهی را به دست آورده است. به وجود آمدن جبهه مقاومت در منطقه نمونه‌ای از نمایش قدرت جمهوری اسلامی در منطقه، در تقابل با سیاست‌های آمریکاست که درصدد تقویت جایگاه منطقه‌ای خود، به حاشیه راندن ایران و عدم امکان الگوپردازی کشورهای غرب آسیا از الگوی انقلاب اسلامی است. حوادث یازده سپتامبر و بحث تروریسم، بهانه‌ای به آمریکا داد تا ایران، محور شرارت قرار گیرد و آمریکا را به غرب آسیا بیش از پیش نزدیک و حساس‌تر نماید. از سویی دیگر، قدرت منطقه‌ای ایران باعث ایجاد شکاف در کشورهای منطقه نیز شده است؛ چراکه رهبران این کشورها نیز بیم الگوپردازی جوامع داخلی خود از ایران و تحت تأثیر قرار گرفتن مردمانشان از انقلاب اسلامی را دارند. بدین سبب، کشورهای منطقه از ائتلاف‌های امنیتی به رهبری آمریکا علیه ایران استقبال می‌کنند.

هر دولتی که در آمریکا بر سر کار آمده، به نحوی به موضوع ایران نیز پرداخته و آن را چالشی در برابر دولت خود دانسته است. از این منظر روابط ایران و آمریکا از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مجموعه‌ای از تنش، خصومت و سوءتفاهم را تشکیل داده است. در سطح بین‌المللی ملاحظات جغرافیای سیاسی، باعث رقابت نامتوازن بین آمریکا و ایران گشته و روایت‌های برساخته باعث تلقی از ایران به عنوان تهدید دائمی برای ایالات متحده آمریکا شده است. دولت ایالات متحده خود را مسئول در برابر قدرت ایران در منطقه می‌داند و تلاش می‌کند تا از هر ابزاری برای ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی بهره‌برد. دولت ایران نیز می‌کوشد تا مانع از مداخله امنیتی و سیاسی آمریکا در غرب آسیا شده و نظم امنیتی را خود کشورهای منطقه رقم بزنند. درواقع جمهوری اسلامی درصدد اتخاذ رویکردی است که منطقه را تکی از دخالت و تصمیم‌گیری ابرقدرت‌ها؛ به‌ویژه ایالات متحده آمریکا نماید. با این حال، آمریکا دچار یک نوع وسواس و ترس امنیتی در قبال جمهوری اسلامی ایران است.

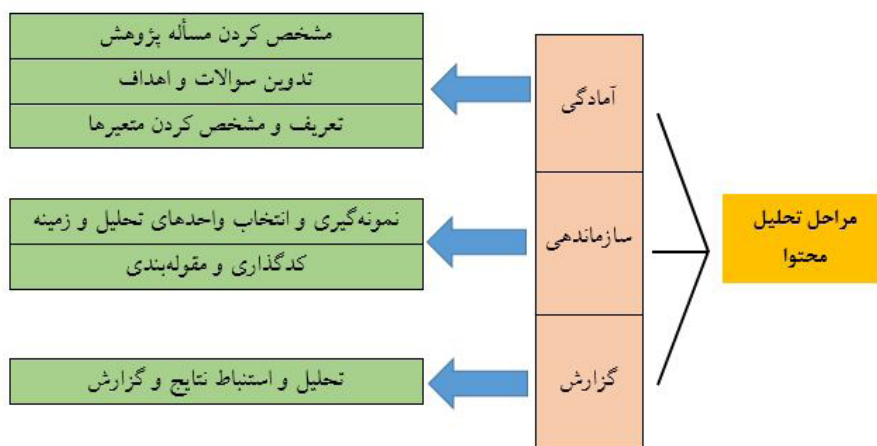
پیامد این نوع برداشت‌ها این است که نوعی چرخه خصومت و دشمنی و نوعی از همکاری همراه با شک، تردید، تهدید و سوءظن را رقم زده است. در مقام هم‌سنجی، بیش از آنکه همکاری بین دو کشور به دست آید، وزن تنش‌زایی بیش از تنش‌زدایی بوده است و همکاری‌های مقطعی میان دو کشور نشان‌دهنده چندلایه بودن مناقشه و جدال میان ایران و ایالات متحده است. دولت‌های برآمده از نظام سیاسی آمریکا در هر دوره‌ای تلاش کردند تا در ابتدا فضایی از نزدیکی و بهبود روابط با جمهوری اسلامی را برقرار نمایند؛ اما به تدریج این نوع تلاش‌ها رنگ باخت و جای خود را به اقدامات سرسختانه و پاسخ‌های محکم داد که منعکس‌کننده دشمنی عمومی پایدار و درک ایران به عنوان تهدید امنیتی است. با آنکه خط سیر سیاست‌های ایالات متحده در برابر جمهوری اسلامی مبتنی بر برداشت‌های تهدیدآمیز و تنش‌زاست؛ اما تصویری روشن و جامع از سیاست‌های امنیتی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی در دولت‌های مختلف در دست نیست و مسئله این پژوهش نبود همین تصویر روشن از سیاست‌های آمریکا در قبال ایران بعد از انقلاب اسلامی است.

درباره پیشینه پژوهش می‌توان بیان داشت برخی از آثاری که به بررسی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران پرداخته‌اند، صرفاً به ابزار تحریم اشاره داشته و آن را در دستور کار سیاست خارجی آمریکا تلقی می‌نمایند؛ از جمله می‌توان به کار محسن اسلامی و فرزانه نقدی (۱۳۹۵) در مقاله «ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، عبدالمطلب عبدالله و مصطفی اسماعیلی (۱۳۹۲) در مقاله «راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران: تداوم یا تغییر؟»، بهروز دیلم صالحی و غلامرضا صابیی (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران با رویکرد سیستمی» و گلناب دارابی و سید محمد طباطبایی (۱۳۹۹) در مقاله «رویکرد تطبیقی سیاست خارجی آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی» اشاره کرد. برخی دیگر از آثار، نقش نهادها و رهبران آمریکا را در سیاست خارجی آمریکا بررسی کرده‌اند که می‌توان به کار حسین پوراحمدی میبدی و محمد سلطان‌پور (۱۴۰۰) در مقاله «روان‌شناسی کارتر و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، مصطفی جهانبخش (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی فعالیت‌های کنگره ۱۱۶ و نقش آن در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، حسن عابدینی کشکوئی، حسین مسعودنیا و مهناز گودرزی (۱۴۰۰) در مقاله «شخصیت دونالد ترامپ و تأثیر آن بر سیاست خارجی آمریکا در قبال برجام، بر اساس نظریه آناگرام»، سید جواد امام جمعه‌زاده و مجتبی بابایی (۱۳۹۴) در مقاله «نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران» اشاره کرد. برخی دیگر از آثار نیز نقش دولت‌های آمریکا را به صورت کلی بررسی کرده‌اند که به عنوان نمونه کار ابراهیم یوسفی راد و مجید بزرگمهری (۱۴۰۰)، در مقاله «بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی دولت‌های دمکرات و جمهوری‌خواه

آمریکا در قبال ایران» (۲۰۲۰-۲۰۰۱) در این زمره قرار می‌گیرد.

نوع پژوهش در این تحقیق بر اساس توسعه‌ای - کاربردی و به لحاظ ماهیت از نوع مطالعات هم‌بستگی است. برای تحلیل داده‌ها به منظور رسیدن به پرسش یادشده، روش تحلیل محتوا (تحلیل محتوای کیفی) را به کار گرفته‌ایم که مراحل مختلف تعیین محتوا، تعیین مقولات، تعیین واحد تحلیل، کدگذاری و تحلیل را در بر خواهد گرفت. برای این منظور به سراغ نخبگان، متخصصان و صاحبان فکر در حوزه مطالعات آمریکاشناسی رفته و تعداد ۱۵ نفر به شیوه گلوله برفی تا به مرحله اجماع و اشباع رسیدن برگزیده و مورد مصاحبه قرار گرفتند. دوره زمانی از سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۲۰ و در قلمرو مکانی جمهوری اسلامی صورت پذیرفته است. مصاحبه با افراد از طریق ایمیل بوده و ویژگی جامعه آماری عبارت است از: استادان و پژوهشگران رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در سطح دانشگاه‌های کشور، دارای تألیف یا پژوهش در حوزه مرتبط با موضوع مقاله، شناخت نسبی از آمریکا و سیاست‌های آن در قبال ایران، دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر. به لحاظ ترکیب جنسی، تعداد ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان خانم و تعداد ۱۰ نفر آقا هستند. از نظر مدرک تحصیلی، ۳ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۲ نفر دارای مدرک دکترا هستند. واحد تحلیل در این پژوهش، بند (پاراگراف) است؛ بدین معنا که از درون پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان که به صورت پاراگراف است، کدها استخراج و سپس در قالب مضمون و مؤلفه آورده می‌شوند.

شکل ۱) مراحل تحلیل محتوا



این مقاله تلاش دارد تا در کنار سطوح تحلیل دیگر در قالب نظریه واقع‌گرایی تهاجمی در درک روابط ایران و آمریکا، این فرضیه را پیش ببرد که «باوجود تغییر دولت‌های مختلف در ایالات متحده آمریکا، سیاست این کشور در قبال ایران بر مبنای یک خط سیری و مبتنی بر درک تهدید فراینده از جمهوری

اسلامی در قالب سیاست‌های تنش‌آمیز و خشم‌آلود بوده است؛ به گونه‌ای که ماهیت انقلاب اسلامی را به عنوان تهدید وجودی و امنیتی برای خود می‌پندارند و تلاش می‌کنند تا برحسب دوره‌های زمانی و شرایط زمان، از سیاست‌ها، راهبردها و ابزارهای گوناگون بهره ببرند».

## مبانی نظری و مفاهیم

### واقع‌گرایی تهاجمی

واقع‌گرایی تهاجمی به پیروی از دیگر گرایش‌های فکری بین‌الملل، دستگاه فکری خود را بر اساس آموزه‌ها و مفروضه‌های واقع‌گرایانه بنیان نهاده است. پیروان این مکتب ضمن اینکه در چهارچوب‌های واقع‌گرایانه، دولت‌ها را به عنوان بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌الملل به رسمیت می‌شناسند، بر این باورند که این قدرت‌های بزرگ هستند که سیاست‌های بین‌الملل را شکل می‌دهند و در تأثیرگذاری بر نظام بین‌الملل، برون‌دادهای قدرت‌های بزرگ تعیین‌کننده است (متقی و همکاران، ۱۱-۱۰: ۱۳۸۹).

در این رابطه، جان مرشایمر، تعیین سرنوشت تمامی دولت‌ها اعم از قدرت‌های بزرگ و کوچک را اساساً از طریق تصمیمات و اقدامات دولتی می‌داند که بیشترین توانایی را داشته باشند. از دید وی سیاست‌های بین‌المللی قدرت‌های بزرگ بر مبنای توانایی نظامی تعیین می‌گردد و این امر باعث می‌شود تا همواره احتمال وقوع جنگ وجود داشته باشد و هیچ‌گاه این احتمال به میزان قابل توجهی کاهش نیابد و فقط قدرت است که می‌تواند از خطر افزایش احتمال وقوع جنگ توسط رقیب جلوگیری نماید و در صورت وقوع مانع شکست در جنگ شود. در رهیافت واقع‌گرایی تهاجمی بر افزایش قدرت به منزله هدف و برای کسب جایگاه مقتدرانه در نظام بین‌الملل به عنوان رفتار اصلی قدرت‌های بزرگ تأکید می‌شود. این دسته از واقع‌گرایان، به مسئله امنیت به عنوان محور و پایه اصلی بحث‌هایشان می‌پردازند که در این حوزه به مسائلی چون امنیت بین‌المللی، بقا، موضوع امنیت مبتنی بر محور نظامی، خوداتکایی در کسب امنیت، دولت‌محوری در مرجع امنیت و هرج و مرج توجه می‌شود (کامل، ۵: ۱۳۸۳).

پیروان مکتب واقع‌گرایی تهاجمی معتقدند مبارزه برای قدرت اولین گام برای پا نهادن در عرصه‌ای است که هر یک از کشورها درصددند تا قوی‌ترین بازیگر نظام بین‌الملل باشند و مترصد فرصت‌هایی هستند که قدرت خود را در برابر دیگر رقبا افزایش دهند؛ از این رو، واقع‌گرایی تهاجمی نیز با شناسایی دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی روابط بین‌الملل بر این باور تأکید می‌ورزد که قدرت‌های بزرگ با شکل‌دهی سیاست بین‌الملل دارای برون‌دادهایی با بیشترین تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی هستند (عبدالله خانی، ۸۶: ۱۳۸۹).

از نظر واقع‌گرایان تهاجمی، علل و توجیه رفتارهای رقابت‌آمیز در راستای کسب قدرت بین قدرت‌های بزرگ از پنج فرض متأثر از نظام بین‌المللی ناشی می‌شود؛ البته این فرض‌ها به تنهایی نمی‌تواند علت و عاملی برای رفتار رقابت‌آمیز دولت‌ها باشند؛ بلکه در نظر گرفتن هم‌زمان این فرض‌ها می‌تواند دلیل قابل قبولی

برای رفتار متجاوزانه دولت‌ها باشند؛ به‌ویژه اینکه نظام یادشده، دولت‌ها را تشویق می‌کند که مترصد فرصت‌هایی باشند تا بتوانند قدرت خود را در برابر دیگران به حداکثر برسانند (Tang, 2010: 27-33). این پنج فرض اساسی عبارتند از:

۱) وجود هرج‌ومرج در نظام بین‌المللی که به معنای هرج‌ومرج و حاکم بودن بی‌نظمی نیست؛ بلکه بر نبود اقتدار مرکزی برای جلوگیری از تجاوز یا حل اختلاف بین قدرت‌ها دلالت دارد. این وضعیت دولت‌ها (حتی آن‌هایی که خواهان تغییر وضع موجود هستند) را مجبور می‌کند تا میزان و درجه ناامنی پیش‌روی خود را به‌صورت تصاعدی برآورد کنند. در وضعیت هرج‌ومرج که ناامنی دائمی را به دنبال دارد، مهم‌ترین راه برای رسیدن به امنیت بیشتر، افزایش قدرت و مقهور کردن دیگر دولت‌هایی است که ممکن است تهدیدی برای آن‌ها باشند؛ از این‌رو، قدرت‌ها تا آنجا که بتوانند برای غلبه و استیلا بر دیگران اقدام خواهند کرد و همواره در یک وضعیت تهاجم بالقوه قرار دارند. در چنین وضعیتی، دولت‌ها هرگاه ممکن باشد برای تحمیل اراده خود بر دیگران دست‌به‌کار می‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۰: ۱۳۸۸).

۲) اطمینان دولت‌ها از مقاصد و نیت یکدیگر، در یک نظام دارای هرج‌ومرج، هیچ دولتی نمی‌تواند کاملاً اطمینان داشته باشد که دولت‌های دیگر از توانایی‌های نظامی خود برای اقدام به تهاجم و حمله به این دولت استفاده خواهند کرد یا نه؟ (کریمی فرد و روحی دهینه، ۵۵۵: ۱۳۹۳).

۳) مهم‌ترین و اولین هدف قدرت‌های بزرگ حفظ بقا است. دولت‌ها برای حفظ تمامیت ارضی و استقلال در نظام سیاسی داخلی خود، نیازمند حفظ بقای کشورشان است. اگر دولتی موفق شود بقای خود را در یک نظام هرج‌ومرج طلب تأمین و تضمین نماید، قادر است تا دیگر اهداف خود را نیز کسب نموده و محقق نماید (Kirshner, 2010: 4).

۴) عقلایی بودن قدرت‌های بزرگ؛ قدرت‌های بزرگ به‌طور دقیق و کامل درباره وضعیت خارجی خود تأمل کرده و راهبردهای را انتخاب می‌کنند که بتواند هدف اصلی آن‌ها را (بقا و امنیت) به حداکثر برساند از آنجا که رفتارهای قدرت‌های بزرگ، رفتار دیگر دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نحوه تأثیرپذیری رفتار و عملکرد سایر دولت‌ها در تدوین و جهت‌دهی راهبرد هر دولت برای بقای خود مؤثر واقع می‌شود، آن‌ها فعالیت و اقدامات دیگر دولت‌ها را همواره مدنظر دارند (بیلیس و اسمیت، ۴۲۲: ۱۳۸۳).

۵) دارابودن میزانی از توانایی‌های نظامی تهاجمی؛ قدرت‌های بزرگ همواره مقداری قابلیت نظامی تهاجمی در اختیار دارند که آن‌ها را قادر می‌سازد به هم صدمه زده و احتمالاً همدیگر را نابود سازند. هراندازه دولت‌ها، قدرت نظامی بیشتری نسبت به یکدیگر داشته باشند، توانایی و ظرفیت خطرآفرینی بیشتری خواهند داشت. قدرت نظامی یک دولت معمولاً با توانایی تسلیحاتی ویژه‌اش در «اقدام» تعریف و شناخته می‌شود (سلیمی، ۲۶: ۱۳۸۴).

درواقع می‌توان گفت واقع‌گرایی تهاجمی، نوع رقابتی‌تر واقع‌گرایی ساختاری بوده که معتقد است دولت‌ها علاوه بر اینکه نسبت به اهداف سایر دولت‌ها اطمینان خاطر ندارند، می‌بایست بدبینانه‌ترین حالت ممکن نسبت به اهداف آن‌ها را نیز در نظر گیرند. در نتیجه، دولت‌ها تنها نسبت به توانمندی سایر دولت‌ها متمرکز می‌شوند. از این رو، برای کسب قدرت به رقابت می‌پردازند و تا حد ممکن درصدد افزایش قدرت خود برمی‌آیند (Glaser, 2010: 23).

میرشایمر استدلال می‌کند که اگرچه قدرت‌های اصلی همواره درصدد کسب قدرت بیشتری هستند؛ اما به خاطر آگاهی از محدودیت‌های موجود در نظام بین‌الملل، در بسیاری از مواقع از این خواسته خود چشم‌پوشی می‌کنند (Mearsheimer, 2001: 12).

بدین ترتیب واقع‌گرایان تهاجمی، قدرت‌های بزرگ را به گونه‌ای توصیف می‌کنند که بی‌وقفه در پی کسب قدرت هستند. آنان بر این اعتقادند که نظام بین‌الملل، قدرت‌های بزرگ را مجبور می‌کند تا قدرت نسبی خود را افزایش دهند، زیرا آن‌ها بدین طریق می‌توانند امنیت خود را ارتقا بخشند؛ به عبارت دیگر، مسئله «بقا» حکم رفتار تهاجمی را صادر می‌کند. عملکرد تهاجمی قدرت‌های بزرگ تنها به دلیل برخورداری از انگیزه سلطه‌جویی نیست؛ بلکه آن‌ها مجبور هستند تا برای افزایش امکان و مدت بقای خویش به دنبال قدرت بیشتری باشند (فتحی، ۱۳۹۹: ۸۶۰).

یافته‌های پژوهش

برای آنکه تحلیل دقیق به لحاظ تاریخی و زمانی ارائه دهیم، پاسخ مصاحبه‌شوندگان را در چهار دوره زمانی تقسیم کرده‌ایم. دوره زمانی اول شامل رخداد‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۰ می‌شود؛ یعنی در این دوره که با شکل‌گیری انقلاب اسلامی همراه است راهبرد و سیاست آمریکا در قبال ایران را تا روی کار آمدن جورج دبلیو بوش پسر بررسی خواهیم نمود. دوره زمانی دوم به دلیل شرایط خاص زمانی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ یعنی دو دوره ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش بررسی خواهد شد. این دوره بدان سبب انتخاب شده که با حملات ۱۱ سپتامبر و تحولات ناشی از آن که ایران را درگیر کرده خود بود. دوره زمانی سوم، دوران ریاست جمهوری باراک اوباما از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ را در برمی‌گیرد و دوره زمانی آخر رخداد‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ را شامل می‌شود که با ریاست جمهوری دونالد ترامپ هم‌زمان است.

دوره زمانی رخدادهای ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۰

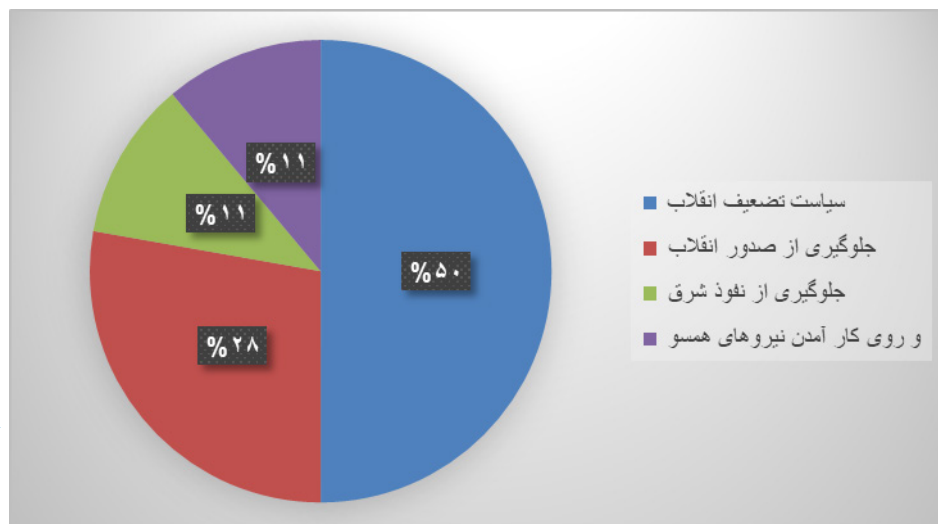
## جدول شماره ۱) سیاست آمریکا در قبال ایران از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۰

| مؤلفه       | مضمون                        | کد                                                                            |
|-------------|------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------|
| مهیار ایران | روی کار آمدن نیروهای همسو    | حمایت از نیروهای لیبرال نهضت آزادی و شخصیت‌های قدیمی جبهه ملی                 |
|             |                              | معتدل کردن سیاست داخلی و خارجی ایران                                          |
|             | جلوگیری از نفوذ شرق در ایران | جلوگیری از دخالت احتمالی شوروی در امور ایران                                  |
|             |                              | فشار بر چین و روسیه مبنی بر مبنی بر لغو قراردادهای همکاری انرژی اتمی با ایران |
|             | سیاست تضعیف نظام             | جلوگیری از پیشرفت‌های فناوری و نظامی                                          |
|             |                              | حداکثر استفاده از اغتشاشات و جنگ‌های محلی                                     |
|             |                              | راه‌اندازی و حمایت از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران                              |
|             |                              | انزوای دیپلماتیک طولانی                                                       |
|             |                              | حضور قوای نظامی و ناوگان دریایی آمریکا در خلیج فارس                           |
|             |                              | جنگ خلیج فارس                                                                 |
|             |                              | تحریم و فشارهای سیاسی                                                         |
|             |                              | جلوگیری از جریان آزاد نفت                                                     |
|             |                              | حمایت از خصوصی کردن اقتصاد                                                    |
|             | جلوگیری از صدور انقلاب       | جلوگیری از الگوگیری کشورهای منطقه از انقلاب ایران                             |
|             |                              | همسو کردن کشورهای منطقه با خود                                                |
|             |                              | الگو قراردادن نظام سیاسی ترکیه برای کشورهای آسیای مرکزی                       |
|             |                              | مهیار کردن جریان انقلاب اسلامی                                                |
|             |                              | ثبات کشورهای عربی دوستدار آمریکا                                              |

این مقوله (مؤلفه) دارای چهار مضمون و ۱۸ کد است. بیشترین کدها مربوط به مضمون سیاست تضعیف انقلاب اسلامی بوده که ۹ کد را به خود اختصاص داده است. پس از آن جلوگیری از صدور انقلاب ۵ کد و به‌طور مساوی مضمون‌های روی کار آمدن نیروهای همسو و جلوگیری از نفوذ شرق در ایران هرکدام ۲ کد را در بر گرفته‌اند. به لحاظ آماری مطابق با نمودار زیر مضمون سیاست تضعیف انقلاب ۵۰ درصد، جلوگیری از صدور انقلاب ۲۸ درصد، جلوگیری از نفوذ شرق در ایران ۱۱ و روی کار آمدن نیروهای همسو ۱۱ درصد است.



نمودار شماره ۱) درصد فراوانی کدها در سیاست‌های آمریکا در قبال ایران در رخدادها ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۰



به لحاظ تحلیلی در مورد ایران، استفاده واشنگتن از مهار نامنظم بوده است؛ چراکه طیف گسترده و متنوعی را در برمی گیرد که شامل موارد مذکور می شود: (۱) تلاش‌های دیپلماتیک برای منزوی کردن تهران و جلب هر چه بیشتر کشورها برای کمک به ایالات متحده در مهار ایران؛ (۲) تحریم‌ها برای جلوگیری از قدرتمند شدن ایران از نظر اقتصادی یا نظامی با تمرکز بر دست نیافتن ایران به موشک‌های بالستیک یا تسلیحات هسته‌ای؛ (۳) اقدام پنهانی برای حمایت از گروه‌های مختلف در داخل ایران که از نظر سیاسی و یا نظامی با رژیم مخالفت کرده‌اند؛ (۴) ترسیم خطوط قرمز که به طور صریح یا ضمنی بیان شده است، اگر تهران از آن‌ها عبور کند، از قدرت ایالات متحده استفاده خواهد شد؛ (۵) موضع‌گیری نظامی مانند استقرار نیروهای آمریکایی در امتداد خلیج فارس برای دفاع از متحدان آمریکایی، جلوگیری از حمله ایران و اجرای خطوط قرمز (Pollack, 2010: 2).

دوره زمانی رخدادهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸

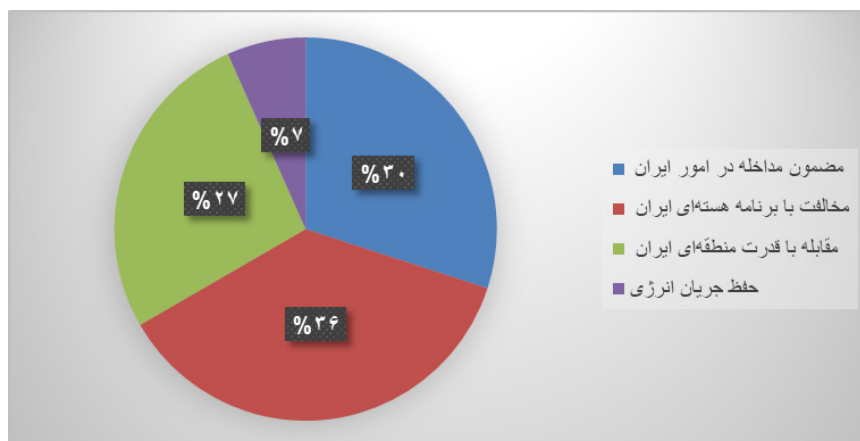
جدول شماره ۲) سیاست آمریکا در قبال ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸

| مقوله                     | مضمون                          | کد                                                                                     |
|---------------------------|--------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------|
| تعامل تعارضی و بازدارندگی | مقابله با قدرت منطقه‌ای ایران  | حضور گسترده نظامی در منطقه                                                             |
|                           |                                | ایجاد پایگاه‌های نظامی                                                                 |
|                           |                                | محور شرارت خواندن ایران                                                                |
|                           |                                | تلاش برای ایجاد صلح اعراب با رژیم صهیونیستی                                            |
|                           |                                | حمایت از جنگ‌های رژیم صهیونیستی با حزب‌الله لبنان و حماس در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸            |
|                           |                                | محدودسازی حوزه منافع ملی ایران در منطقه                                                |
|                           |                                | تروریست خواندن حزب‌الله لبنان                                                          |
|                           |                                | تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی                                                      |
|                           | مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران | محروم ساختن تهران از برنامه هسته‌ای خود                                                |
|                           |                                | فشار بر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی                                                    |
|                           |                                | تعطیل غنی‌سازی اورانیوم                                                                |
|                           |                                | ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت                                                    |
|                           |                                | همراه ساختن فرانسه با خود در قبال مسئله هسته‌ای ایران                                  |
|                           |                                | فریب و همراه کردن چین و روسیه با خود در مسئله هسته‌ای ایران                            |
|                           |                                | همراه ساختن جامعه بین‌المللی در خصوص مسئله هسته‌ای ایران                               |
|                           |                                | به بن‌بست کشاندن مذاکرات ایران با گروه موسوم به ۵ + ۱                                  |
|                           |                                | ارائه بسته پیشنهادی به تهران در صورت دست برداشتن از توسعه برنامه هسته‌ای               |
|                           |                                | ارائه چهار قطعنامه ۱۸۰۳، ۱۷۴۷، ۱۷۳۷ و ۱۸۳۵ توسط شورای امنیت سازمان ملل با حمایت آمریکا |
|                           |                                | تحریم اشخاص و نهادهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران                                    |
|                           | مداخله در امور ایران           | ترغیب گروه‌های مخالف داخلی ایران                                                       |
|                           |                                | حمایت مالی و توسعه شبکه‌های مخالفان و فعالان حقوق بشر                                  |
|                           |                                | حمایت ضمنی از خارج کردن نام مجاهدین خلق از لیست سازمان‌های تروریستی                    |
|                           |                                | حمایت از دیپلماسی عمومی                                                                |
|                           |                                | راهاندازی و تشویق رسانه‌های فارسی‌زبان                                                 |

| مقوله | مضمون           | کد                                          |
|-------|-----------------|---------------------------------------------|
|       |                 | گذار به دموکراسی                            |
|       |                 | ایجاد صلح دموکراتیک                         |
|       |                 | مسدودسازی دارایی‌های ایران                  |
|       |                 | تحریم بانک‌های دولتی ایران                  |
|       | حفظ جریان انرژی | متقاعد کردن کشورهای عربی به تولید نفت بیشتر |
|       | جهانی           | تأمین امنیت انرژی                           |

این مقوله دارای ۴ مضمون و ۳۰ کد است. بیشترین کدها مربوط به مضمون مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران قرار دارد که شامل ۱۱ کد است. پس از آن مضمون مداخله در امور ایران است که شامل ۹ کد می‌شود. در ردیف بعدی مضمون مقابله با قدرت منطقه‌ای ایران است که ۸ کد را در برمی‌گیرد. مضمون آخر نیز که عبارت از حفظ جریان انرژی جهانی است شامل ۲ کد است. از نظر درصد فراوانی مطابق با نمودار زیر به ترتیب مضمون مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران ۳۶ درصد، مضمون مداخله در امور ایران ۳۰ درصد، مضمون مقابله با قدرت منطقه‌ای ایران ۲۷ درصد و مضمون حفظ جریان انرژی جهانی ۷ درصد است.

نمودار شماره ۲) درصد فراوانی کدها در سیاست‌های آمریکا در قبال ایران در طول رخدادهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۰



دوران جرج بوش پسر یکی از حساس‌ترین دوره‌های زمانی در ایالات متحده و جهان است. چراکه در هزاره سوم، آمریکا برای توجیه اقدامات خود نیازمند ایجاد دشمن و پرکردن خلأ ایدئولوژیکی ناشی از جهان تک‌قطبی بود. اگرچه در دوره جنگ سرد، جهان به دو قطب شرق و غرب تقسیم شده بود؛ اما با فروپاشی

اتحاد جماهیر شوروی، جهان به سمت نظام تک قطبی به سرکردگی ایالات متحده پیش رفت آمریکا را از داشتن دشمنی تهی ساخت؛ بنابراین با حمله ۱۱ سپتامبر، تروریسم به عنوان جایگزین «شرق» وارد محاسبات آمریکایی ها به عنوان دشمن شد. با وجود این، ایران و ایالات متحده همکاری هایی را در حمله به افغانستان و عراق با یکدیگر داشتند. در سال ۲۰۰۱، آمریکا رویکرد «تعامل تعارضی» را درباره ایران در پیش گرفت که در واقع، ادامه «الگوی مهار» بود. بدین معنا که حداکثر تعامل تعارضی باید برای براندازی ساختاری و حداقل تعامل تعارضی باید برای محدودسازی حوزه منافع ملی و به حداقل رساندن مطلوبیت های منافع ملی در حوزه های منطقه ای و اجتماعی، در دستورکار قرار گیرد؛ اما دولت بوش، ایران را به عنوان محور شرارت در کنار عراق و کره شمالی قرارداد تا بیش از پیش توجه امنیتی خود را به آن جلب نماید. در همین دوران، برنامه صلح آمیز هسته ای ایران در حال رشد بود و آمریکا را نگران می ساخت (متقی، ۱۲: ۱۳۹۷).

### دوره زمانی رخداد های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶

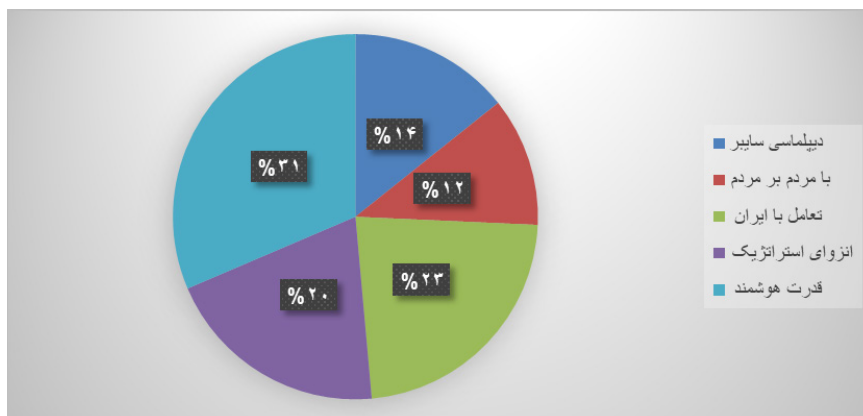
#### جدول شماره ۳) سیاست آمریکا در قبال ایران از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶

| مقوله                   | مضمون           | کد                                                                |
|-------------------------|-----------------|-------------------------------------------------------------------|
| سیاست تغییر رفتار ایران | دیپلماسی سایبر  | راه اندازی صفحه فیس بوک وزارت خارجه به زبان فارسی                 |
|                         |                 | ارسال فایل های ویدئویی در توئیتر به زبان فارسی توسط اوباما        |
|                         |                 | ارسال کلیپ در یوتیوب به زبان فارسی از اوضاع نابسامان ایران        |
|                         |                 | ارائه کمک های مالی به شبکه های اجتماعی مختلف در حمایت از اغتشاشات |
|                         |                 | راه اندازی انواع وبلاگ و سایت نظیر گذار                           |
|                         | با مردم بر مردم | تقویت عناصر داخلی                                                 |
|                         |                 | حمایت از حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸                                  |
|                         |                 | فعال سازی سفارت مجازی آمریکا در ایران                             |
|                         |                 | وارد ساختن اتهام به جمهوری اسلامی مبنی بر نقض حقوق بشر            |
|                         | تعامل با ایران  | کنار گذاشتن ابزارهای قدرت منطقه ای                                |
|                         |                 | باز گذاشتن باب مذاکره با ایران                                    |
|                         |                 | به ثمر رساندن برجام                                               |
|                         |                 | اجازه به ایران برای نوسازی ناوگان حمل و نقل                       |
|                         |                 | اجازه به ایران برای خرید تسلیحاتی                                 |
|                         |                 | حذف موانع ورود سرمایه گذاران خارجی به ایران                       |
|                         |                 | عادی سازی روابط دیپلماتیک در سطوح پایین                           |

| مقوله | مضمون          | کد                                                                      |
|-------|----------------|-------------------------------------------------------------------------|
|       | انزوای راهبردی | رفع ممنوعیت ارتباط مستقیم میان مقام‌های آمریکایی و ایرانی               |
|       |                | تعامل مستقیم با سوریه                                                   |
|       |                | انجام گفت‌وگوهای صلح با دولت بشار اسد                                   |
|       |                | پیگیری تجدید روابط با روسیه                                             |
|       |                | ایجاد فاصله بین تهران و مسکو                                            |
|       |                | معرفی ایران به عنوان منبع تهدید                                         |
|       |                | تأکید بر افزایش توانمندی‌های نظامی متحدانش در منطقه                     |
|       |                | فروش تسلیحات و تقویت سامانه دفاع موشکی متحدانش در منطقه                 |
|       | قدرت هوشمند    | تحریم چندجانبه و سنگین                                                  |
|       |                | استفاده از ابزار تشویق در کنار تحریم                                    |
|       |                | تهدید به برخورد نظامی با ایران                                          |
|       |                | دست برداشتن از برنامه هسته‌ای                                           |
|       |                | دست برداشتن از حمایت از گروه‌های مقاومت                                 |
|       |                | ارائه مشوق‌های لازم در صورت همراهی با خواسته‌ها و برنامه‌های آمریکا     |
|       |                | متقاعد ساختن اعضای شورای امنیت برای اعمال تحریم‌های چندجانبه علیه ایران |
|       |                | مذاکره مستقیم و بدون پیش شرط با رهبران جمهوری اسلامی                    |
|       |                | به رسمیت شناختن جمهوری اسلامی                                           |
|       |                | به رسمیت شناختن حق ایران برای دست‌یابی به انرژی هسته‌ای                 |
|       |                | تصویب ۶ قطع‌نامه علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد              |

این مقوله دارای ۵ مضمون و ۳۵ کد است. مضامین این مقوله عبارتند از: دیپلماسی سایبر، با مردم بر مردم، تعامل با ایران، انزوای راهبردی، قدرت هوشمند. این مضامین به ترتیب دارای ۵ کد، ۴ کد، ۸ کد، ۷ کد و ۱۱ کد هستند. بیشترین کدها مربوط به قدرت هوشمند است که نشان می‌دهد آمریکا در دوره اوباما از ابزارها و سیاست‌های متنوع و چندگانه برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران به منظور کاهش نفوذ و قدرتمندی‌اش در منطقه استفاده می‌کند. از نظر درصد فراوانی مطابق با نمودار زیر، مضمون دیپلماسی سایبر ۱۴ درصد، مضمون با مردم بر مردم ۱۲ درصد، مضمون تعامل با ایران ۲۳ درصد، مضمون انزوای راهبردی ۲۰ درصد و مضمون قدرت هوشمند ۳۱ درصد است.

نمودار شماره ۳) درصد فراوانی کدها در سیاست‌های آمریکا در قبال ایران در طول رخدادهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶



سیاست‌های آمریکا در دوران اوباما مبتنی بر تغییر رفتار ایران تلقی می‌شود. در دوره او، مسئله هسته‌ای ایران به یکی از مسائل اساسی در نگاهش به ایران تبدیل شده بود. اگرچه جرج دبلیو بوش از طریق تحریم و تهدید سعی در مقابله با برنامه هسته‌ای ایران داشت، اوباما تلاش نمود تا از طریق دیپلماسی و نزدیکی با ایران این مسئله را حل نماید. به همین منظور از تغییر گفتمان در قبال ایران با هدف پایان دادن به تلاش‌های دیپلماتیک قبل از بررسی گزینه‌های نظامی حمایت کرد؛ اما این امر بدان معنا نیست که اوباما سیاست آمریکا را در قبال ایران دگرگون کرد. وی کوشید تا در برابر برنامه هسته‌ای ایران همانند سلف پیش از خود ایستادگی نماید.

اوباما تلاش کرد تا دیدگاهی را در مورد چگونگی مدیریت مؤثر تهدیدات ناشی از ایران ایجاد کند و در این زمینه، راهبرد دوگانه مذاکره یا جنگ را ارائه کرد. جلوگیری از پروژه هسته‌ای ایران مستلزم آن است که جهان درباره محدودیت‌های پایدار برای محدود کردن توانایی ایران در دستیابی به سلاح هسته‌ای مذاکره کند یا برای جنگ سوم به رهبری آمریکا در خاورمیانه آماده شود. عملاً این وضعیت باعث شده است که سیاست‌گذاران آمریکایی آمادگی خود را برای بازنگری در سیاست مرسوم آمریکا در قبال ایران ارائه دهند. اوباما تلاش کرد تا از طریق شکستن بن‌بست دیپلماتیک از افزایش قدرت ایران در منطقه جلوگیری کند؛ به عبارت دیگر، رویکرد جدید را با هدف تغییر رویکردی تندروتر از بوش در سیاست خود در قبال ایران از طریق برقراری تماس‌های اولیه با سیاست‌گذاران تهران دنبال کند. از این رو، اوباما «راهبرد مسیر دوگانه» را ایجاد کرد که هم دیپلماسی و هم تحریم‌ها را با تأکید ویژه بر مسیر دیپلماتیک با تهران شامل می‌شد (Castiglioni, 2013: 10-12).

دوره زمانی رخدادهای ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰

جدول شماره ۴) سیاست آمریکا در قبال ایران از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰

| مقوله                      | مضمون                            | کد                                                                               |
|----------------------------|----------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------|
| سیاست تغییر حکومت در ایران | امنیتی ساختن انرژی هسته‌ای ایران | مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران در مبارزات انتخاباتی                              |
|                            |                                  | اعلام پاره کردن توافق هسته‌ای                                                    |
|                            |                                  | خارج شدن یک‌طرفه از برجام                                                        |
|                            |                                  | اعلام رسیدن به توافق بهتر با ایران نسبت به برجام                                 |
|                            |                                  | دست‌رسی بی‌قید و شرط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به همه مناطق ایران              |
|                            |                                  | توقف برنامه هسته‌ای و توسعه آن توسط ایران                                        |
|                            |                                  | اتهام کمک ایران به برنامه هسته‌ای کره شمالی                                      |
|                            |                                  | ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل                                     |
|                            |                                  | پنهان‌کاری ایران از توسعه برنامه‌های هسته به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی         |
|                            |                                  | اتهام وارد کردن به ایران مبنی بر دستیابی به بمب اتم                              |
|                            |                                  | تمرکز ایران بر تولید و غنی‌سازی هر چه بیشتر اورانیوم و پلوتونیوم                 |
|                            |                                  | پنداشت تجهیز ایران به ابزارهای هسته‌ای با جنگ‌افزارهای کشتار جمعی                |
|                            | امنیتی ساختن برنامه موشکی ایران  | پایان دادن به گسترش موشک‌های بالستیک                                             |
|                            |                                  | بازنمایی برنامه موشکی ایران به مثابه تهدید علیه امنیت بین‌الملل                  |
|                            |                                  | تلاش ایران برای افزایش قابلیت بُرد موشکی                                         |
|                            |                                  | ناقص دانستن آزمایش موشکی ایران با قطعه‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد     |
|                            |                                  | فشار بر سایر کشورها جهت همسویی با رویکرد خود در قبال ایران                       |
|                            | بیرون راندن ایران از منطقه       | معرفی نمودن ایران به عنوان عامل اصلی ناامنی و بی‌ثباتی منطقه                     |
|                            |                                  | حمایت نکردن ایران از گروه‌های جریان مقاومت در سراسر منطقه                        |
|                            |                                  | تلاش برای سلب مشروعیت از اقدامات ایران در مقابله با داعش                         |
|                            |                                  | برپایی ائتلاف جهانی علیه داعش و زیر سؤال بردن اقدامات ایران                      |
|                            |                                  | بازنمایی کردن اقدامات ایران به مثابه مداخله در کشور ثالث و نقش قوانین بین‌المللی |
|                            |                                  | تجهیز رقبای منطقه‌ای ایران به ابزار و تسلیحات نظامی مدرن                         |
|                            |                                  | عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با دولت‌های عربی منطقه                            |
|                            |                                  | معرفی کردن ایران به عنوان منبع تهدید علیه صلح و امنیت بین‌الملل                  |

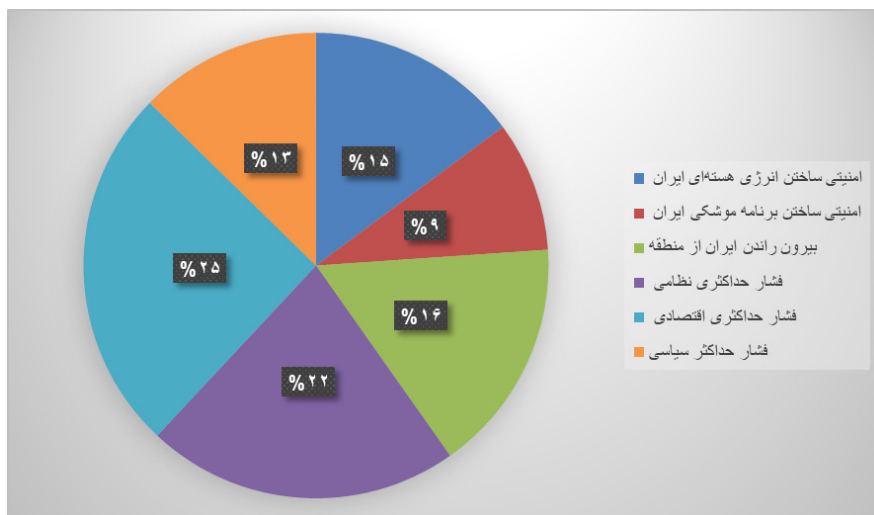
| مقوله | مضمون                | کد                                                                                                |
|-------|----------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------|
|       |                      | امنیتی سازی از ایران با بزرگ‌نمایی نفوذ این کشور در منطقه                                         |
|       |                      | اتهام وارد کردن به ارتباط ایران با القاعده و طالبان                                               |
|       |                      | اتهام وارد کردن به ایران مبنی بر اخلاف در آزادی کشتیرانی                                          |
|       |                      | ترسیم از چهره ایران و مقاومت به عنوان بازیگران تجدیدنظر و آشوب طلب                                |
|       |                      | همراه ساختن دولت‌های عربی با رژیم صهیونیستی در ائتلاف ضد ایرانی                                   |
|       | فشار حداکثری نظامی   | تروریست اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران                                              |
|       |                      | انتصاب مک فلین و جان بولتون به سمت مشاور امنیت ملی                                                |
|       |                      | رخ دادن چندین رویارویی نظامی مرموز و پی در پی بین ایران و ایالات متحده و متحدانش از جمله در سوریه |
|       |                      | اعزام ناو هواپیمابر لینکلن به خلیج فارس                                                           |
|       |                      | تلاش سنتکام برای تضعیف موقعیت سیاسی و میدانی متحدان نظامی ایران در عراق                           |
|       |                      | ترور و به شهادت رساندن فرمانده ارشد ایران سردار شهید قاسم سلیمانی                                 |
|       |                      | عقد قراردادهای نظامی دوجانبه با کشورهای منطقه و رقیب ایران                                        |
|       |                      | پشتیبانی مستقیم از اقدامات تهاجمی رژیم صهیونیستی                                                  |
|       | فشار حداکثری اقتصادی | تحریم صادرات نفت ایران و میعانات گازی                                                             |
|       |                      | به صفر رساندن صادرات نفت و گاز ایران                                                              |
|       |                      | در تنگنا قرار دادن اقتصاد مردم                                                                    |
|       |                      | مواجه شدن ایران با کسری بودجه شدید در اثر تحریم‌ها                                                |
|       |                      | تحریک به شورش داخلی و امید بستن به اعتراضات اجتماعی در پی تحریم                                   |
|       |                      | کاهش درآمدهای ارزی ایران                                                                          |
|       |                      | کاهش ارزش پول ملی ایران                                                                           |
|       |                      | ایجاد و افزایش تورم‌های افسار گسیخته در ایران                                                     |
|       |                      | مصادره اموال ایران در آمریکا                                                                      |
|       |                      | جلوگیری از دستیابی ایران به سامانه مالی آمریکا                                                    |
|       |                      | تصویب طرح منع فروش هواپیما به ایران                                                               |
|       |                      | اعلام کردن نقش سپاه پاسداران در اقتصاد ایران                                                      |
|       |                      | بلوکه کردن دارایی‌هایی ایران در بانک‌های خارجی                                                    |



| مقوله | مضمون                 | کد                                                 |
|-------|-----------------------|----------------------------------------------------|
|       |                       | تهدید کشورها به هرگونه روابط تجاری با ایران        |
|       | فشار حداکثری<br>سیاسی | طرح مذاکره مستقیم با رهبران ایران در تهران         |
|       |                       | بد خواندن حکومت ایران در سخنرانی و لفاظی‌های ترامپ |
|       |                       | تحریک یک شورش داخلی بر اثر نارضایتی اقتصادی        |
|       |                       | دیکتاتوری خواندن رژیم ایران در سخنرانی‌های روتین   |
|       |                       | ممنوعیت سفر اکثر ایرانیان به آمریکا                |
|       |                       | قطع برنامه تبادلات دانشگاهی بین ایران و آمریکا     |
|       |                       | ظالم خواندن حکومت ایران بر مردم                    |

این مقوله دارای ۶ مضمون و ۵۹ کد است. مضمون امنیتی ساختن انرژی هسته‌ای ایران دارای ۱۲ کد، مضمون امنیتی ساختن برنامه موشکی ایران ۵ کد، مضمون بیرون راندن ایران از منطقه دارای ۹ کد، فشار حداکثری نظامی ۱۲ کد، فشار حداکثری اقتصادی ۱۴ کد و فشار حداکثر سیاسی دارای ۷ کد است. در این میان سهم، فشار حداکثری اقتصادی بیش از سایر مضامین است و نشان می‌دهد که دولت ترامپ این سیاست را به‌منظور برهم‌خوردن نظم اقتصادی ایران و فروپاشی از درون دنبال می‌کند که در کنار تهدید نظامی و امنیتی ساختن پرونده هسته‌ای ایران به دنبال اجماع جهانی و همراه ساختن کشورهای جهان با خود است. از نظر درصد فراوانی مطابق با نمودار زیر، سهم مضامین فوق به ترتیب دارای ۱۵ درصد، ۹ درصد، ۱۶ درصد، ۲۲ درصد، ۲۵ درصد و ۱۳ درصد است.

نمودار شماره ۴) درصد فراوانی کدها در سیاست‌های آمریکا در قبال ایران در طول رخدادهای ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰



سیاست تغییر حکومت توسط آمریکا، پدیده جدید و تازه‌ای نیست بلکه به انحای مختلف آن را در کشورهای گوناگون و در برهه‌های زمانی متعددی دنبال کرده‌اند. هرچند رویکرد آنان نسبت به این موضوع متفاوت است؛ اما در هدف یکسان هستند (Preble, 2018: 1). در دوره ترامپ تحولی در سیاست امنیتی آمریکا در قبال ایران کلید خورد. نگاه امنیتی دولت وی به ایران، کشور را در یک وضعیت سخت اقتصادی و سیاسی فروبرد. سیاست فشار حداکثری که در ابعاد گوناگون به وقوع پیوست، باعث شد تا ایران را به یک بحران داخلی بکشاند و به امید فروپاشی از درون تحریم‌های بیشتری را نیز اعمال نمود. اتحاد اعراب و رژیم صهیونیستی یکی دیگر از حربه‌های دولت او برای ضربه زدن به ایران بود. در مجموع سیاست امنیتی ترامپ باعث شد تا از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ خارج شود و برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای و موشک‌های ایران را نشانه گیرد. اگرچه ترامپ بارها و بارها از تغییر حکومت در ایران حمایت کرد؛ اما علاقه‌مند به تحریک یک شورش داخلی بود و نه مداخله خارجی (Borger, 2019: 2).

در برابر سیاست فشار حداکثری ترامپ، ایران را نیز سیاست «مقاومت حداکثر» را در دستورکار خویش قرارداد و در برابر تحریم و محدودیت‌های هسته‌ای وضع شده توسط ایالات متحده، اقدام به غنی‌سازی اورانیوم با غنای پایین و انواع سانتریفیوژها نمود. سیاست‌های ترامپ باعث شده تا نخبگان حاکم در ایران بیش از گذشته به آمریکا بدبین‌تر شوند. این امر به‌ویژه پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام شدیدتر شده است (Slavin, 9 December 2019).

با خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های گوناگون، ایران در یک وضعیت دشوار قرار گرفت و با تحریک عوامل خارجی، اعتراضاتی در کشور آغاز گشت که مورد حمایت ترامپ نیز واقع شد. آنان چنین می‌پنداشتند که حکومت در حال سقوط است و از درون فرومی‌پاشد (Haltiwanger, 2019: 2-3). درواقع هدف ترامپ تغییر حکومت در ایران از داخل بود که راهی مؤثر و کم‌خطر برای دستیابی به اهداف راهبردی آمریکا است. دولتمردان آمریکایی به‌خوبی می‌دانند که محتمل‌ترین نتیجه در اثر شورش‌های سراسری در ایران، جنگ داخلی و تبدیل ایران به یک کشور شکست‌خورده و آسیب‌دیده است (Siebens and Meire, 3 June 2020).

### تجزیه و تحلیل داده

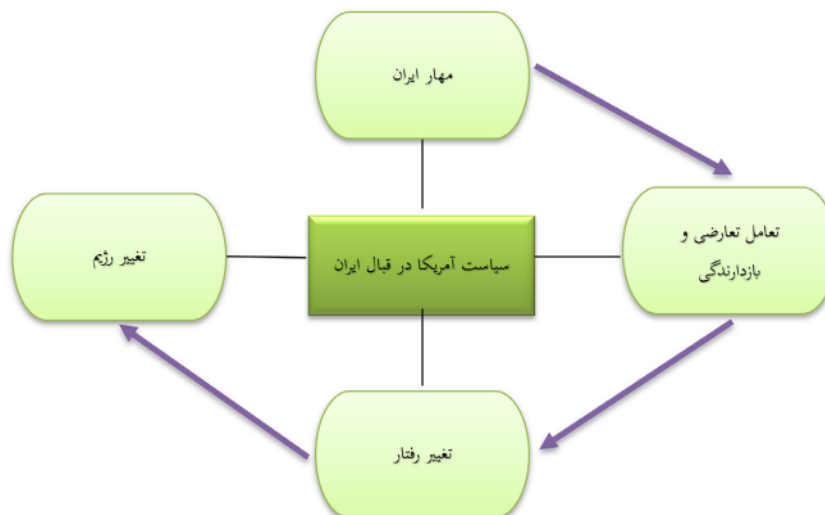
جمع‌بندی وزن سیاست‌های امنیتی آمریکا در چهار دوره زمانی زیر در جدول زیر قابل نمایش است.  
جدول شماره ۵) مقایسه فراوانی کدها در سیاست‌های امنیتی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی

| دوره زمانی      | مقوله (نوع سیاست)         | تعداد مضامین | تعداد کدها |
|-----------------|---------------------------|--------------|------------|
| از ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۰ | مهار ایران                | ۴            | ۱۸         |
| از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ | تعامل تعارضی و بازدارندگی | ۴            | ۳۰         |
| از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ | تغییر رفتار               | ۵            | ۳۵         |
| از ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ | تغییر رژیم                | ۶            | ۵۹         |

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، سیاست امنیتی آمریکا به تدریج وارد فاز تغییر رژیم شده است. در هر دوره بستگی به شرایط، سیاست آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران متنوع؛ اما یکسان است. هدف یکسان تقابل، رقابت، تنش و خصومت با ایران است چراکه انقلاب اسلامی معادلات امنیتی آمریکا را در منطقه به هم زده است. هر چه از دوران اولیه شکل‌گیری انقلاب اسلامی فراتر می‌رویم، سیاست امنیتی آمریکا نیز تخصصی‌تر شده و با تهاجم بیشتری آن را دنبال می‌کنند. این امر در میزان فراوانی کدها نیز به‌وضوح قابل مشاهده است.

بر مبنای چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی، اگرچه جنگ مستقیم بین ایران و آمریکا در معنای وسیع شکل نگرفته است؛ اما در وضعیت هرج و مرج به وجود آمده هدف آمریکا در قبال ایران امنیت بیشتر، افزایش قدرت و مقهور کردن دولت جمهوری اسلامی است که ممکن است تهدیدی برای آن‌ها باشد؛ بدین سبب آمریکا تلاش خود را بر آن قرار داده تا با تحریک جامعه جهانی علیه ایران؛ به‌ویژه در مباحث هسته‌ای، ایران را در وضعیتی ناامن قرار دهد. این نگاه باعث شدن تا هر دو کشور در شرایط ناشی از بی‌اعتمادی به هم به سر برند. در این راه آمریکا تلاش محوری خود را بر آن قرار داد تا در تقابل با ایران، ضمن حفظ بقا و تثبیت موقعیت خود در منطقه، ایران را به حاشیه ببرد.

شکل ۲) سیاست آمریکا در قبال ایران از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۰



### نتیجه گیری

اقدامات آمریکا در طول رخدادهای بعد از انقلاب اسلامی در قالب نظریه واقع گرایی تهاجمی قابل بررسی است. بر مبنای تحلیل ارائه شده می توان مدعی شد که باوجود تغییر دولت های مختلف در ایالات متحده آمریکا، سیاست این کشور در قبال ایران بر مبنای یک خط سیری و مبتنی بر درک تهدید فراینده از جمهوری اسلامی در قالب سیاست های تنش آمیز و خشم آلود بوده و این روند در طول تمام دوران بعد از انقلاب اسلامی توسط دولت های آمریکا، علیه ایران به مورد اجرا درآمده است. در این روند دولت های آمریکا همچنان ماهیت انقلاب اسلامی را به عنوان تهدید وجودی و امنیتی برای خود تلقی نموده و تلاش می کنند تا برحسب دوره های زمانی و شرایط زمان، از سیاست ها، راهبردها و ابزارهای گوناگون بهره ببرند.

بر اساس آنچه در مصاحبه با نخبگان به دست آمد، مهم ترین راهبرد و سیاست امنیتی آمریکا در منطقه مبتنی بر منزوی کردن ایران و سیاست فشار حداکثری به منظور فروپاشی از درون بدون توسل به جنگ مستقیم و کشاندن ایران به صحنه نبردهای امنیتی و نظامی به صورت جنگ های نیابتی است. دولت های آمریکا تلاش کردند در این مسیر کمترین هزینه برای ایالات متحده را مدنظر قرارداد و از طریق تبلیغات علیه نظام و راه اندازی جنگ روانی و بزرگ نمایی تهدید ایران به خصوص در موضوع هسته ای، افکار عمومی جهانی را با خود همراه سازند. از این جهت می توان ایجاد ترس از ایران و ایران هراسی را دو ابزار کلیدی آمریکا برای مقابله با ایران و ایجاد ائتلاف امنیتی با کشورهای منطقه غرب آسیا دانست.

باوجود تلاش‌هایی که دولت‌های آمریکا در طول این مدت علیه انقلاب اسلامی بکار گرفته‌اند، ایران اسلامی در طول این مدت با نفوذ بیشتر در منطقه و حتی نظام بین‌الملل، موفق شد تا در سه حوزه خودنمایی کرده و در برابر زیاده‌خواهی آمریکا مقاومت نماید. اول اینکه گسترش حوزه نفوذ ایران باعث تا آمریکا و رژیم صهیونیستی از فکر تهاجم نظامی به ایران منصرف شوند. تحلیلگران بر آن هستند که گسترش حوزه نفوذ ایران سبب می‌شود تا حمله به ایران نتایج پیش‌بینی‌ناپذیر و سختی برای آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان منطقه‌ای آن‌ها داشته باشد و خطرهای زیادی ایجاد کند. دوم اینکه گسترش نفوذ ایران در منطقه به‌خصوص اقدامات ایران در برابر کوه‌های تروریستی در منطقه به‌خصوص در عراق و سوریه سبب شده تا مقبولیت ایران در منطقه افزایش یافته و راهبرد ایران هراسی به‌نوعی با شکست مواجه شود و در داخل کشور نیز احساس توده از افزایش قدرت نظامی ایران باعث افزایش اطمینان خاطر ملت از اقدامات حکومت برای حفاظت از امنیت ملی کشور به‌خصوص در برابر تهاجم احتمالی دشمن با محوریت آمریکا و رژیم اشغالگر قدس شده است. سوم اینکه: گسترش نفوذ ایران در منطقه زمینه‌ساز انتقال منابع مالی بیشتری به کشور؛ به‌ویژه از طریق هم‌سو کردن سیاست‌های نفتی کشورهای منطقه شود که در این صورت با افزایش قدرت مالی بیشتر امکان تأثیرگذاری بیشتر در تحولات منطقه و ایفای نقش یک قدرت منطقه‌ای افزایش می‌یابد.

## منابع

- بیلینس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، **جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین**، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، دولت مجازی، واقع‌گرایی تهاجمی؛ نظام بین‌الملل، سیاست خارجی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۷، شماره ۱۷، صص ۱۹-۴۳.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۷)، تأملی بر تکنیک «ردیابی فرایند» در مطالعات انقلاب اسلامی ایران، **پژوهشنامه متین**، سال یازدهم، شماره چهل.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، **نظریه‌های امنیت**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- فتحی، فرحناز (۱۳۹۹)، بررسی و تحلیل بایسته‌های رئالیسم تهاجمی با نگاه تطبیقی نظریه نوواقع‌گرایی، نشریه قانون یار، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۸۲۳ تا ۸۵۳.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۱)، **فرهنگ راهبردی و دفاع ملی**، مطالعه موردی جنگ تحمیلی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره سوم.
- کامل، روح‌الله (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر رئالیسم تهاجمی، ماهنامه نگاه، سال ۴، شماره ۳۸، شهریور.
- کریمی فرد، حسین؛ روحی دهینه، مجید (۱۳۹۳)، **پیشینه‌سازی قدرت روسیه در قبال بحران اوکراین**، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۸، شماره ۳، صص ۵۵۱ تا ۵۷۷.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۵)، **تحول طرح‌های خاورمیانه‌ای آمریکا: مبانی، موانع و چالش‌ها**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- متقی، ابراهیم؛ بقایی، خرم؛ رحیمی، میثم (۱۳۸۹)، **بررسی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر (بر اساس رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی)**، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴، پاییز.
- متقی، ابراهیم؛ هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۷)، راهبرد ایالات متحده در ارتباط با فعالیت هسته‌ای ایران در دوره ریاست جمهوری بوش پسر ۲۰۰۱-۲۰۰۸، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲، تیر، ۱۶۳-۱۷۸.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران: سمت.
- Borger, J. (2019). John Bolton: The man driving the US towards war ... any war. The Guardian. <http://www.theguardian.com/us-news/2019/may/17/john-bolton-iran-north-korea>.
- Castiglioni, Claudia (2013), *Obama's Policy Toward Iran: Comparing First and*

Second Term, Italian Institute for International Political Studies (ISPI), <https://www.ispionline.it/en/publication/obamas-policy-toward-iran-comparing-first-and-second-term-9555>.

- Glaser, Charles (2010), *Realism. Contemporary Security Studies* London: OAxford University Press.
- Haltiwanger, J. (2019). Bolton's 2-sentence resignation letter was shorter than Trump's tweets firing him. *Business Insider*. <https://www.businessinsider.com>.
- Kirshner, Jonathan (2010), the tragedy of offensive realism: classical realism and the rise of china, *European journal of international relations*.
- Mearshymehr, John (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*, (New York: Norton Press).
- Pollack, Kenneth M. (2010), *Containing Iran*, United States Institute of Peace, pp 1-5.
- Preble, C. A. (2018). Can America's Credibility Survive the Death of the Iran Nuclear Deal? *The National Interest*. <https://nationalinterest.org>.
- Siebens, James & Meire, Charles (2020), Why a US policy of fomenting regime change in Iran is a bad idea, *Responsible Statecraft*, <https://responsiblestatecraft.org>.
- Slavin, Barbara (2019), US policy hinders positive 'regime change' in Iran, *Atlantic Council* <https://www.atlanticcouncil.org>.
- Tang, Shiping (2010). *A Theory of Security Strategy for Our Time: Defensive Realism*, New York, Palgrave.